

«سانتاماریا» خوانده‌ای؟



درباره جبهه و جنگ است. نویسنده درباره موضوع جنگ هم به‌خوبی سوژه‌های متنوع را در این کتاب به نگارش درآورده است. از زبان برادر رزمنده به برادر دیگرش در حسرت شهادت «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز»، از زبان شاگرد و به معلمش که مراد او در جبهه است تا شهادت در «آن شب عزیز»، از زبان مادری پیر به فرزند شهیدش و تلاش برای بودن به جای فرزند در «مرا به نام تو می‌خوانند»، از زبان دختر بچه با پدر شهید در «امضا و آبی اما به رنگ غروب»، پسر بچه‌ای که به دست افسر عراقی با اتهامی مضحک شهید می‌شود در «آرامش قهوه‌ای»، از زبان پدر پیر خطاب به فرزند شهیدش که در میدان جنگ مانده و دسترسی به آن سخت است در «ضریح چشمان تو»، از زبان همسر به شوهر شهید و جانباز در «دیدار معشوق و راز هر آینه» و... این مقدار تنوع در روایت‌ها تحسین‌برانگیز است و قدرت قلم و اندیشه نویسنده را به رخ مخاطب می‌کشد. آن‌چه که میان تمام داستان‌های مربوط به جنگ در این کتاب مشترک است، برانگیختن احساسات خواننده به بهترین وجه ممکن است. سیدمهدی شجاعی توانسته در مجموعه داستان‌های خویش بسیاری از دریافت‌ها و دغدغه‌های فکری خود را به زیباترین نحو ارائه کند و آنچه خواننده را همواره درگیر با نوشته‌های خود نگه می‌دارد، نه تنها تنوع در روایت‌هاست بلکه پرداخت‌های گیرا و روان از دردهاست تا نوشته به‌طور کامل با مخاطب همراه شود. شجاعی به خوبی می‌داند که یک نوشته خوب با مخاطبان آن کامل و ماندگار می‌شود.

داستان‌های کتاب سانتاماریا، به دو دوره از زندگی نویسنده اختصاص یافته است. داستان‌های دوره اول، بین سال‌های ۷۷ - ۶۷ است. در نیمه اول هر کدام از داستان‌ها به موضوعی خاص می‌پردازد. «ماه جبین» داستانی سورئال است با پرداخت به دل‌باختگی معلم یک روستا به دختری که هر صبح با ظرفی شیر دم در خانه او ظاهر می‌شود و... انتخاب مناسب و نگاهی تازه به موضوعات گاه تکراری در تعدادی از داستان‌ها موجب تحسین خواننده شده و نشان می‌دهد قلم سیدمهدی شجاعی قدرت پیمودن مسیرهای سخت و سنگلاخ را دارا می‌باشد. پرداختن به وضع وخیم رشوه‌خواری در ادارات با بیانی طنز در «برای زندگی»، انحراف بین برخی دانشجویان دختر و زیر پانهادن عفاف جهت برآمدن از پس هزینه‌های شهریه و نیازهای مادی (بصورت جسورانه) که چاپ این داستان در ماهنامه نیستان مشکلاتی را برای مهدی شجاعی به ارمغان آورد، حکمرانی ثروت به جای سواد و آبرو و پامال شدن بسیاری از ارزش‌ها در این میان، حتی رابطه برادری در «قابیل ۱۹۹۶»، معضل خرافه‌پرستی در «طوقی از تاول» و باز هم پرداختن به معشوقه‌ای فرازمینی این بار در کنار صنعت سینما در «شکیبا» از جمله موضوعاتی است که شجاعی به آن‌ها پرداخته است. بعد از داستان «سانتاماریا» که آن هم حکایت زیارویی فرازمینی است (همانند ماه جبین و شکیبا)، دوره دوم داستان‌های کتاب بین سال‌های ۶۷ - ۵۷ شامل ۲۶ داستان است که ۱۳ داستان آن درخصوص مسایل اجتماعی و ۱۳ داستان دیگر

اولین مرتبه حدود ۱۰ سال پیش، سال‌های نوجوانی و آغاز نوشتن و شور و شوق نویسندگی بود که به واسطه یکی از بهترین اساتیدم با سیدمهدی شجاعی و آثار او آشنا شدم. نخستین داستانی که از او خواندم «ماه جبین» بود. داستانی کوتاه با فراز و نشیب‌هایی که شاید در آن سال‌ها خیلی سخت در کش می‌کردم.

سیدمهدی شجاعی روزنامه‌نگار و داستان‌نویس و صاحب کتاب‌هایی چون «کشتی پهلوی گرفته»، «پدر، عشق، پسر»، «شکوه سبز»، «سانتاماریا»، «طوفان دیگری در راه است»، «رزیتا خاتون»، «از دیار حبیب»، «سقای آب و ادب» و... است. او متولد سال ۱۳۳۹ در تهران است و سردبیر و مدیرمسئول ماهنامه نیستان بوده است.

شجاعی داوری چند دوره از جشنواره فیلم فجر، جشنواره تئاتر فجر جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان و جشنواره مطبوعات را در کارنامه هنری خود دارد.

گرچه تحصیلات سیدمهدی شجاعی ادبیات نمایشی بود و چندین نمایشنامه میهم به دست چاپ سپرد، اما بیشترین تمرکزش بر داستان‌نویسی بوده است.

*

سانتاماریا کتابی ۲ جلدی است که جلد اول آن مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است در ۴۰ صفحه و مشتمل بر ۴۰ داستان که اولین داستان این مجموعه «ماه جبین» است. جلد دوم «سانتاماریا» هم یک نمایش‌نامه است. در این مطلب قصد داریم از جلد اول «سانتاماریا» بگوییم.